

تحلیلی بر اجزاء طواف اختیاری راکب

دکتر مهدیه غنی زاده

دانشگاه قم

M.ghanizadeh@qom.ac.ir

چکیده

طواف کعبه یکی از ارکان مهم حج ابراهیمی است که نحوه ایقاع آن می تواند صحت فریضه حج را تحت الشعاع قرار دهد؛ لذا ادای این رکن به نحو صحیح از ضرورت ویژه ای برخوردار است. حال، یکی از اموری که در رابطه با طواف، مطرح می گردد، موضوعیت یا عدم موضوعیت مشی در ایقاع آن می باشد. به دیگر تعبیر، از جمله مسائل مطروحه در این باب، اجزاء یا عدم اجزاء طواف راکب است. البته محل بحث مربوط به فرضی است که چنین طوافی در حالت اختیار و بدون عذر به جای آورده شود. آنچه از بررسی متون فقهی به دست می آید، تضارب آراء مختلف در این مسئله است، به نحوی که اساساً صحت این طواف مورد تردید می باشد. این در حالی است که در حج اخیر، شاهد وقوع مصداقی از طواف مزبور می باشیم (ادای طواف از سوی یکی از حجاج به وسیله اسکوتر برقی). از این حیث، نظر به خلأ پژوهشی قابل ملاحظه در این بحث، تبیین حکم این مسئله از ضرورت خاصی برخوردار است. لذا پژوهش حاضر به شیوه توصیفی- تحلیلی به بررسی اجزاء طواف اختیاری راکب پرداخته است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که طواف راکب، مصداقی از طواف بالاستعانه محسوب می گردد؛ لذا نظر به آنکه مأموریه در طواف، ایقاع آن بنفسه و بالمباشره است، نمی توان در حالت اختیار و بدون عذر، طواف راکب را مجزی و مسقط تکلیف به شمار آورد.

کلید واژگان: طواف راکب، اختیاری، اجزاء، بنفسه، بالاستعانه.

یکی از مسائل جدیدی که در حج اخیر با آن مواجه بودیم، طواف با اسکوتر برقی توسط یکی از حجاج بیت الله الحرام بود. در واکنش به این عمل، مصلح المحامدی- مدیرکل اداره نقلیه مسجد الحرام، این شیوه را یکی از راهکارهای کشور عربستان به منظور ارائه خدمات بهتر به زوار بیت الله الحرام و استفاده از فناوری نوین در جهت تسهیل امور حج معرفی نمود و تنها منع استفاده از آن را مربوط به فرضی دانست که برای سایر حجاج، مزاحمتی ایجاد گردد (روزنامه شرق، مورخ: ۱۴۰۱/۴/۲۱). این در حالی است که طواف با اسکوتر در حقیقت نوعی طواف راکب به شمار می رود که اجزاء آن در فرض عدم عذر و در حالت اختیار با اشکال روبروست؛ چراکه بررسی متون فقهی، اختلاف نظر فقها در این امر را بیان می دارد. لذا فارغ از اینکه چنین شیوه ای عامل مزاحمت برای سایر حجاج باشد اساساً اصل جواز چنین عملی، مورد تردید است. نظر به امکان شیوع این فعل در مناسک حج، تبیین دقیق حکم آن اهمیت ویژه ای دارد. لذا پژوهش حاضر، تلاشی در جهت پاسخگویی به این پرسش است که آیا می توان طواف راکب را در حالت اختیار، مجزی و مسقط تکلیف محسوب نمود؟

در راستای پاسخگویی به این مسئله، پس از ذکر آراء مختلف فقهی به ارزیابی ادله هر یک پرداخته و از این منظر به تبیین دیدگاه صحیح خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است در رابطه با پیشینه تحقیق، تنها موردی که مرتبط با موضوع مقاله حاضر می باشد، نوشته ای است که در وبلاگ حجت السلام و المسلمین محمد عطایی، تحت عنوان «طواف و سعی با ویلچر» منتشر شده است. در این نوشتار، نویسنده اگرچه لزوم مشی در طواف را نفی نموده اما طواف با ویلچر را در فرضی که هدایت آن به دست دیگری باشد، مصداقی از اطافه می داند و آن را در حالت اختیار، مجزی نمی شمارد^۱. تفاوت مقاله حاضر با نوشته ایشان در این است که مطابق یافته های مقاله، مشی در طواف در حالت اختیار، موضوعیت دارد و حتی بر فرض آنکه هدایت وسیله نقلیه ای چون ویلچر در اختیار طائف باشد، باز هم چنین طوافی مجزی به شمار نمی رود. در جستجوی صورت پذیرفته توسط نویسنده، در رابطه با موضوع مقاله حاضر، نوشته و مقاله مستقل دیگری یافت نشد.

۱- دیدگاه های مختلف در مسئله اجزاء طواف اختیاری راکب

در رابطه با مسئله اجزاء طواف اختیاری راکب به نحو کلی سه دیدگاه در میان فقها مطرح گردیده است: دیدگاه اجزاء به نحو مطلق، دیدگاه اجزاء به نحو مشروط و دیدگاه عدم اجزاء. در ذیل به بررسی هر دیدگاه و ادله آن می پردازیم.

۱-۱- دیدگاه اجزاء مطلق طواف اختیاری راکب

برخی از فقها با انکار موضوعیت مشی در ایقاع طواف، به نحو مطلق، طواف راکب را همچون طواف پیاده، مجزی و مسقط تکلیف به شمار آورده اند. از جمله این افراد، سلار دیلمی^۲، علامه حلی^۳، شهید اول^۴، صاحب عروه^۵، امام خمینی^۶، آیت الله زنجانی^۷،

^۱ - رجوع شود به: <http://ataeim.blogfa.com/post/707>

^۲ - دیلمی، المراسم العلویة و الاحکام النبویة، ۱۲۴.

^۳ - حلی، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة- الحدیث، ۳۸۷/۱۰.

^۴ - عاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، ۳۹۳/۱.

^۵ - طباطبایی یزدی، العروة الوثقی مع التعليقات الفاضل، ۴۲۹/۲.

^۶ - موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ۴۳۳/۱.

^۷ - شبیری زنجانی، مناسک الحج، ۱۴۰.

طباطبایی قمی^۸ از فقهای امامیه و بسیاری از فقهای شافعی مذهب^۹ می باشند. اگرچه در کلام برخی از این فقها، تعبیری چون کراهت رکوب^{۱۰} یا افضلیت و استحباب مشی^{۱۱} به چشم می خورد، اما در هر حال، با نفی موضوعیت مشی به نحو مطلق قائل به اجزاء طواف راکب در حالت اختیار گردیده اند.

۱-۱-۱-۱- ادله دیدگاه اجزاء مطلق طواف اختیاری راکب

فقهایی که بر اجزاء مطلق طواف اختیاری راکب، حکم نموده اند، بر اثبات مدعی خویش به ادله ای چون قرآن، سنت، اجماع و اصل جواز استناد نموده اند.

۱-۱-۱-۱-۱- قرآن کریم

از آیات قرآن آنچه این دسته از فقها بدان استناد نموده اند آیه ۲۹ سوره مبارکه حج می باشد. در این آیه شریفه چنین آمده است: «وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ». نظر به آنکه آیه مزبور بر وجوب طواف حمل گردیده است^{۱۲} برخی از فقهای قائل به اجزای مطلق طواف راکب، چنین استدلال آورده اند که امر به طواف در آیه شریفه به نحو مطلق ذکر گردیده و از سویی تقیید مطلق، بدون دلیل جایز نیست؛ لذا طواف به هر نحو واقع شود مجزی خواهد بود، خواه پیاده، خواه راکب^{۱۳}. برخی فقها، در این موضع بر این عقیده اند بر فرض آنکه عرفاً بر فعل صورت پذیرفته، طواف صدق نماید، مجزی خواهد بود، خواه به نحو راکب، خواه پیاده ادا گردد^{۱۴}.

در پاسخ به استدلال ایشان باید گفت، اولاً دلایلی که در رد دیدگاه اجزاء مطلق طواف راکب، بیان خواهد گردید، قرینه ای است بر تقیید اطلاق موجود در آیه شریفه؛ لذا با توجه به این قرائن باید گفت، ظهور اطلاق آیه شریفه در مدعی ایشان، حجت نخواهد بود. ثانیاً کفایت صدق عرفی، در فرضی است که موضوع، عرفی باشد؛ لذا مرجع تعیین مراد آن عرف واقع شود. آنچه باید بدان توجه نمود این است که عرف در جایی، مرجع قرار می گیرد که شرع برای آن موضوع حدود و ثغوری تعیین نکرده باشد و به دیگر تعبیر، بیان شرعی در مورد آن موضوع، وجود نداشته باشد^{۱۵}. این در حالی است که ادله شرعی مبین کیفیت طواف که در مباحث آتی بدان اشاره می گردد، در واقع سالب مرجعیت عرف در این باب به شمار می روند. از سوی دیگر اساساً طواف، از عبادات است و عبادات، توقیفی می باشند؛ لذا در تعیین کم و کیف آنان، مرجع، بیان شرعی است^{۱۶}.

۱-۱-۱-۲- اخبار

یکی دیگر از مستنداتی که قائلین به اجزاء مطلق طواف اختیاری راکب بدان استناد نموده اند، اخبار و روایات است. بدین نحو که برخی از این روایات، گواه بر ادای طواف به نحو راکب از سوی پیامبر گرامی اسلام می باشند و برخی دیگر، بیانگر مجوزی است که معصوم برای ادای چنین طوافی به سایرین داده است.

^۸ - طباطبایی قمی، مصباح الناسک فی شرح المناسک، ۱۵۱/۲؛ ۳۹۲ تا ۳۹۱.

^۹ - شافعی، الام، ۱۹۰/۲؛ نووی، الايضاح فی مناسک الحج و العمرة، ۲۳۱/۱؛ ماوردی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی، ۱۵۲/۴.

^{۱۰} - طوسی، الخلاف، ۳۲۶/۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۴۴۱/۱۳؛ نوری، ۱۴۰۸؛ ۴۲۰/۹؛ ماوردی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی، ۱۵۲/۴.

^{۱۱} - حلی، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ۲۱۰/۴؛ سبزواری، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ۶۵۵/۲؛ حلی، ايضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد،

۲۹۹/۱؛ مکارم، مناسک جامع حج، ۱۹۳؛ نووی، المجموع شرح المذهب، ۲۷/۸.

^{۱۲} - طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ۱۴۷/۷.

^{۱۳} - ابن مفلح، المبدع شرح المقنع، ۱۹۹/۳؛ مقدسی، المغنی، ۳۵۸/۳.

^{۱۴} - یزدی، فقه القرآن، ۲۰۷/۱.

^{۱۵} - نجفی، جواهر الکلام فی شرح الشرائع الاسلام، ۲۹۰/۲۹؛ حلی، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة- الحدیث، ۳۵۲/۵.

^{۱۶} - مدنی، براهین الحج للفقهاء و الحجج، ۱۳۷/۴؛ حسینی شاهرودی، کتاب الحج، ۴۵۳/۴.

به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ طَافَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى نَاقَتِهِ الْعُضْبَاءِ - وَ جَعَلَ يَسْتَلِمُ الْأَرْكَانَ بِمِحْجَنِهِ وَ يَقْبَلُ الْمِحْجَنَ^{۱۷}.

از حیث سندی، روایت در زمره احادیث حسن می باشد^{۱۸} و از حیث دلالتی، فقها، مطابق روایت، فعل نبی گرامی اسلام در ادای طواف به نحو راکب را حمل بر جواز چنین طوافی نموده اند^{۱۹}.

در پاسخ به این ادعا باید گفت، در روایات، علت ادای چنین طوافی از سوی حضرت این گونه بیان شده است: عَنْ النَّبِيِّ ص: أَنَّهُ حَجَّ عَلَى رَاحِلَتِهِ وَ تَحَنَّنَ رَحْلٌ رَثٌّ وَ قَطِيفَةٌ خَلَقَتْ قِيمَتَهُ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمٍ وَ طَافَ عَلَى رَاحِلَتِهِ لِيَنْظُرَ النَّاسُ إِلَى هَيَاتِهِ وَ شَمَائِلِهِ وَ قَالَ حُذُوا مِنِّي مَنَاسِكِكُمْ^{۲۰}.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ طَافَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْبَيْتِ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ عَلَى رَاحِلَتِهِ يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ بِمِحْجَنِهِ لِأَن يَرَاهُ النَّاسُ وَلِيُشْرِفَ وَلِيَسْأَلُوهُ فَإِنَّ النَّاسَ غَشُوهُ^{۲۱}.

چنانچه ملاحظه می گردد مطابق روایت فوق، علت رکوب حضرت (ص) آن بوده که مردم راحت تر ایشان را ببینند و به آسانی ایشان را تشخیص داده و بتوانند آنچه از مناسک حج را که نمی دانند از ایشان سوال کنند (لأن يراه الناس وليشرف وليسألوه)^{۲۲} و این امر در واقع به واسطه ازدحام جمعیت و شلوغی صورت پذیرفت (غشوه ای ازدحموا علیه و کثروا)^{۲۳} از آن جهت که در فرض ادای طواف به نحو پیاده از سوی نبی گرامی اسلام (ص) ممکن بود عده ای ایشان را رویت نکرده و از فیض حضور ایشان محروم گردند. در نتیجه طواف سواره ایشان را آن هم در شرایط خاص یعنی در حج آخرین ایشان که می بایست تا حد امکان احکام و مناسک حج را به مردم تعلیم می دادند، نمی توان بر جواز طواف راکب در حالت اختیار حمل نمود، علی الخصوص با توجه به آنکه ایشان در حالت عادی و در اغلب موارد، طواف را به نحو پیاده ادا می فرمودند^{۲۴}. در نتیجه می توان گفت، طواف راکب پیامبر (ص) در حجۀ الوداع، از باب ضرورت و به جهت تعلیم مناسک به مردم بوده است.^{۲۵}

البته لازم است یادآور گردیم که برخی از فقها، طواف پیاده رسول خدا (ص) در اغلب موارد را حمل بر استحباب نموده و این امر را نشانگر افضل بودن مشی در طواف می دانند^{۲۶}. این در حالی است که چنانچه ملاحظه گردید، طواف راکب پیامبر (ص) در موارد خاص و به واسطه وجود عذر صورت پذیرفته است لذا در فرض عدم عذر و در حالت عادی (در اغلب موارد) زمانی که طواف را به نحو پیاده ادا نموده اند این امر نشانگر آن است که طواف راکب مختص همان حالت عذر و طواف پیاده مربوط به حالت اختیار است. حتی بر فرض آنکه چنین استدلالی را نپذیریم و بر این امر قائل گردیم که از فعل پیامبر (ص)، بر بیش از جواز عمل دلالت نمی کند^{۲۷}. در این فرض باید دنبال قرینه ای دیگر برای استنباط حکم مسئله باشیم. حال آنکه در کحل بحث،

۱۷ - حر عاملی، وسائل الشیعة، ۴۴۱/۱۳.

۱۸ - مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ۶۲/۱۸.

۱۹ - حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۳۳/۱۱؛ عاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ۳۹۳/۱؛ سبزواری، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد،

۶۵۵/۲؛ وجدانی، الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، ۴۳/۴.

۲۰ - نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۴۲۰/۹.

۲۱ - منذری، مختصر صحیح مسلم، ۱۸۵/۱.

۲۲ - منذری، مختصر صحیح مسلم، ۱۸۵/۱.

۲۳ - قشیری، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل الی رسول الله (ص)، ۹۲۶/۲.

۲۴ - حلی، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۳۰۰/۱.

۲۵ - مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ۲۷/۸؛ نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۴۲۰/۹؛ ماوردی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی،

۱۵۲/۴؛ نووی، المجموع شرح المذهب، ۲۷/۸.

۲۶ - حلی، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۳۰۰/۱.

۲۷ - محقق داماد، کتاب الحج، ۴۳۱/۳.

راکب، چندان موجه به نظر نمی رسد و بر فرض تحقق به واسطه احتمال استناد آن به روایات موجود، اجماع از نوع مدرکی و فاقد ارزش مستقل است.^{۳۸}

۴-۱-۱-۱- اصل جواز

برخی فقها بر این عقیده اند که اصل، جواز ادای طواف به نحو راکب می باشد^{۳۹}. در پاسخ به این استدلال باید گفت، اولاً پذیرش اصل جواز در عبادات با اشکال روبروست بلکه اصل در عبادات تحریم است مگر آنکه دلیلی از شرع، بر جواز دلالت نماید^{۴۰}. به دیگر تعبیر، عبادات، توقیفی بوده و کم و کیف آن منوط به بیان شرع می باشد؛ لذا نمی توان در هر مورد مشکوکی، اصل را بر جواز گذاشت. ثانیاً بر فرض پذیرش اصل جواز در عبادات، ادله ای که بر عدم اجزاء طواف مزبور دلالت دارد^{۴۱}، مانع از بقای حکم اصل مزبور می باشد.

۲-۱- دیدگاه اجزاء مشروط طواف اختیاری راکب

برخی از فقهای امامیه همچون آیت الله خویی^{۴۲}، فاضل لنکرانی^{۴۳}، آیت الله مدنی کاشانی^{۴۴}، آیت الله سبحانی^{۴۵} و آیت الله سیستانی^{۴۶}، اجزاء طواف راکب در حالت اختیار را مشروط بر فرضی نموده اند که منشأ چنین طوافی، اراده طائف باشد؛ لذا هدایت مرکب یا وسیله نقلیه توسط طائف به نحوی که حرکت، تداوم حرکت و وقوف آن در اختیار طائف باشد را شرط دانسته اند.^{۴۷}

۱-۲-۱- ادله دیدگاه اجزاء مشروط طواف اختیاری راکب

فقهای قائل به اجزاء مشروط طواف اختیاری به منظور اثبات مدعای خویش به مستندات چون اطلاق ادله وجوب طواف، ظاهر آیه ۲۹ سوره حج و قاعده اولیه لزوم مباشرت در عبادت، استناد جسته اند که در ذیل به بیان و بررسی هر یک از این موارد می پردازیم.

۱-۲-۱-۱- قرآن کریم

برخی از فقهای قائل به اجزاء مشروط طواف اختیاری راکب بر مبنای ظاهر آیه شریفه ۲۹ سوره حج چنین آورده اند که در آیه مزبور، عبارت «وَلَيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» از سویی بر وجوب تطوف ولو با تحریک غیر دلالت دارد، بدان سبب که باب تفاعل غالباً برای مطاوعه به کار می رود. از سوی دیگر، استناد آن به فاعل مختار (لیطوفوا)، تطوف به اختیار او را اقتضاء می نماید. در نتیجه در طواف راکب در فرض آنکه زمام مرکب در اختیار طائف باشد، می توان گفت تطوف به اختیار او صورت پذیرفته و مجزی و مسقط تکلیف به شمار می رود^{۴۸}.

^{۳۸} - عاملی، ارشاد العقول الی مباحث الاصول، ۳/۳؛ مدرسی، هدایة الاصول فی شرح کفایة الاصول، ۲۳/۴.

^{۳۹} - حلی، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ۲۱۰/۴.

^{۴۰} - سبزواری، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ۳۰۹/۲.

^{۴۱} - به منظور ممانعت از تکرار مطالب، ذکر این ادله را به مباحث آتی موکول می نمایم.

^{۴۲} - خویی، موسوعه الامام الخویی، ۹۷/۲۹.

^{۴۳} - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة- الحج، ۳۰۳/۴ تا ۳۰۲.

^{۴۴} - مدنی، براهین الحج للفقهاء و الحجج، ۱۳۷/۴.

^{۴۵} - سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۲۶/۴.

^{۴۶} - گلپایگانی، آراء المراجع فی الحج (بالعربیة)، ۳۶۰/۱.

^{۴۷} - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة- الحج، ۳۶۲/۴؛ سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۲۶/۴؛ گلپایگانی، آراء المراجع فی الحج (بالعربیة)، ۳۶۰/۱.

^{۴۸} - مدنی، براهین الحج للفقهاء و الحجج، ۷۹/۴.

در پاسخ به این ادعا باید گفت مطالعه (اثربرداری)، به معنای ظاهر گردیدن اثر فعل در مفعول به است و اساساً در صدد بیان نحوه و طریقه وقوع فعل نمی باشد. بنابراین در بحث حاضر مراد از آن بدین صورت است: طَوَّفْتَهُ فَتَطَوَّفُ... آن را طواف نمودم پس طواف گردید... و این امر ارتباطی با جواز تطوف با تحریک غیر (طریقه وقوع فعل) ندارد.

۲-۱-۲- لزوم ارادی بودن فعل عبادی

فقها یکی از قواعد اولیه در اعمال عبادی را لزوم ارادی بودن فعل می دانند. به دیگر تعبیر، تعلق امر به فعل عبادی، اقتضای آن را دارد که فعل ناشی از اراده مکلف باشد و به نحو اختیاری از او صادر گردد^{۴۹}. به گونه ای که در رابطه با فعلی که به نحو غیر اختیاری محقق شده باشد اساساً عنوان عبادت را صادق نمی دانند^{۵۰}. لذا در رابطه با طواف نیز فقهای قائل به اجزاء مشروط طواف اختیاری را کب، از آن حیث که طواف، فعلی عبادی است و تکلیف در آن متوجه خود فرد گردیده است، بر لزوم ارادی بودن آن و صدور آن از مکلف به نحو اختیاری تاکید نموده اند^{۵۱}. از دید این دسته از فقها، اطلاق ادله وجوب طواف صرفاً بر سیر ارادی حول کعبه دلالت دارد و این امر هم با مشی محقق می شود، هم با رکوب^{۵۲}. البته به شرط آنکه در طواف را کب، متصدی حرکت خود طائف باشد تا بتوان حرکت طوافیه را ناشی از اراده و اختیار او و مستند به فعل او به شمار آورد^{۵۳}. در چنین فرضی، تنوع مرکب، توفیری در اجزاء طواف ایجاد نخواهد کرد؛ لذا خواه طواف با حیوان صورت گیرد یا با وسایل الکترونیکی، در هر صورت، مجزی و مسقط تکلیف به شمار خواهد رفت^{۵۴}.

در پاسخ به این استدلال باید گفت، اولاً اینکه سیر و حرکت به نحو را کب حول کعبه بدون عذر، مصداقی از طواف مجزی به شمار رود با اشکال روبروست که در بحث عدم اجزاء طواف مزبور به تفصیل از آن بحث خواهیم نمود. ثانیاً چنانچه این گروه از فقها ذکر نموده اند، حرکت طوافیه در حالی تحت اختیار طائف، محسوب می شود که هدایت مرکب بر عهده اش بوده و حرکت، تداوم حرکت و وقوف آن را در اختیار داشته باشد^{۵۵}. این در حالی است که چنین امری صرفاً از اراده طائف نشأت نمی گیرد. چنانچه وسیله نقلیه حیوان باشد، اعمال حیوان به نوعی ارادی محسوب می گردد و به نحو کلی، حیوان برای حفظ حیات و بقای خویش نیازمند یک سلسله اعمال ارادی است^{۵۶}. آنگونه که برخی از مفسرین نیز آیاتی چون آیه ۳۸ انعام را حمل بر وجود نوعی اختیار و اراده در حیوانات نموده و مواردی نظیر، وجود حب و بغض در حیوان، مهربانی و سرکشی، تشخیص دوست و دشمن و عکس العمل های مختلف در برابر آن را بیانگر نوعی اراده و اختیار در حیوانات به شمار آورده اند^{۵۷}. لذا در طواف را کب با حیوان نمی توان حرکت و توقف مرکب را به نحو کلی ناشی از اراده طائف و صرفاً در اختیار او محسوب نمود. آنگونه که اگر مرکب، وسایل الکترونیکی باشد نیز حرکت و وقوف تا حد زیادی پیرو عملکرد صحیح تجهیزات و موتور محرک می باشد، نه اراده و اختیار طائف. حتی اگر بگوییم عادتاً حرکت و وقوف حیوان یا وسیله الکترونیکی در کنترل طائف بوده و احتمال خلاف را ضعیف شمرده و از باب مسامحه عرفی نادیده بگیریم، باز هم ایراد اول به قوت خود باقی و اساساً جواز طواف را کب نیازمند دلیل قوی

۴۹ - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - احکام التخلی، ۲۸۱؛ حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۴۶۴/۲؛ خوبی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الصوم، ۳۳۶/۲.

۵۰ - عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة، ۹/۱۲.

۵۱ - خوبی، موسوعة الامام الخویی، ۹۷/۲۹؛ لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحج، ۳۰۳/۴ تا ۳۰۲.

۵۲ - مدنی، براهین الحج للفقهاء و الحجج، ۱۳۷/۴.

۵۳ - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحج، ۳۶۲/۴؛ سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۹۲/۴؛ گلپایگانی، آراء المراجع فی الحج (بالعربیة)، ۳۶۱/۱ تا ۳۶۰.

۵۴ - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحج، ۳۶۲/۴.

۵۵ - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحج، ۳۶۲/۴؛ سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۹۲/۴؛ گلپایگانی، آراء المراجع فی الحج (بالعربیة)، ۳۶۱/۱ تا ۳۶۰.

۵۶ - طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم (با مقدمه و پاورقی استاد مرتضی مطهری)، ۱۸۲/۲.

۵۷ - طباطبایی، المیزان فی التفسیر القرآن، ۷۵/۷.

می باشد. حال آنکه چنین دلیلی بر آن نیست و بالعکس، خلاف آن نیز چنانچه شرح آن خواهد آمد با ادله متقن ثابت گردیده است.

۳-۱-۲-۱- لزوم مباشرت در فعل عبادی

اصل در عبادات، لزوم مباشرت مکلف می باشد و سقوط تکلیف از ذمه مکلف به واسطه فعل غیر، نیازمند دلیل خاص است^{۵۸}. بر مبنای این اصل، فقهای قائل به اجزاء مشروط طواف اختیاری راکب، برای طواف به عنوان واجب الهی، مباشرت مکلف را شرط نموده اند^{۵۹}. از این حیث به منظور صدق طواف بنفسه، استناد حرکت طوافیه به طائف را لازم شمرده^{۶۰} و چنین استنادی را منوط به قائم بودن فعل بر شخص و بدن او نموده اند^{۶۱}. لذا به همان نحو که طواف ماشی را محقق این غرض و مجزی می دانند به همان نحو در فرضی که مرکب و حرکت او تحت اختیار طائف باشد، حرکت طوافیه را مستند به او و فعل او به شمار آورده و مجزی می شمرند^{۶۲}.

در پاسخ به این ادعا باید گفت، اولاً در طواف راکب، طواف و چرخیدن حول کعبه اگرچه تا حدی در اختیار طائف است، اما فعل طائف به شمار نمی رود، بلکه در واقع، فعل مرکب است. به دیگر تعبیر، فعل طائف، صرفاً هدایت مرکب است و چرخیدن، فعل بی واسطه خود مرکب می باشد. ثانیاً طواف، عبادت بدنی است، قائم بودن آن بر بدن مکلف در فرضی است که خود او بی واسطه فعل را انجام دهد. حال آنکه در حرکت طوافیه، مهمترین عضو بدن که می تواند دخیل گردد، پاهاست و چنین امری در طواف راکب، مفقود گردیده است. ثالثاً طواف بالمباشرة و بنفسه اقتضای آن را دارد که بر فرض توان، مکلف مستقلاً بر ادای طواف اقدام نماید، در حالی که طواف راکب، بالاستعانة^{۶۳} و در واقع، بالتسبیب و مع الواسطه محسوب می گردد؛ لذا اجزاء چنین طوافی در حالت اختیار و در فرض توان مکلف بر ادای طواف به نحو مستقل، نیازمند دلیل خاص می باشد و در این موضع چنین دلیلی منتفی است.

شاهد این مدعا، صحیحه صفوان بن یحیی است که در آن چنین آمده: قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ الْمَرِيضِ يَقْدَمُ مَكَّةَ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَ لَا يَأْتِي بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ يُطَافُ بِهِ مَحْمُولًا يَخْطُ الْأَرْضَ بِرَجْلَيْهِ حَتَّى تَمَسَّ الْأَرْضُ قَدَمَيْهِ فِي الطَّوَّافِ ثُمَّ يَوْقِفُ بِهِ فِي أَصْلِ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ إِذَا كَانَ مُعْتَلًا^{۶۴}.

روایت مذکور در ارتباط با شخص مریضی است که از طواف عاجز می باشد «فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ» و به تعبیری از طواف بنفسه ناتوان می باشد. در این روایت، طواف این شخص بدین نحو بیان گردیده است «يُطَافُ بِهِ مَحْمُولًا» او را طواف می دهند در حالی که حمل می شود. حال به قرینه اینکه در روایت از قرار دادن پاهای فرد بر زمین، حین طواف سخن گفته است «يَخْطُ الْأَرْضَ بِرَجْلَيْهِ حَتَّى تَمَسَّ الْأَرْضُ قَدَمَيْهِ»، به نظر، مراد از طواف محمول، حالتی است که به عنوان مثال دست شخص را بگیرند و به او کمک کنند تا در حالی که قدم برمی دارد، طواف را انجام دهد. در نتیجه وقتی حضرت (ع)، چنین فرضی را که فرد تا حدودی طواف را با قدم های خویش انجام می دهد، مصداق «يُطَافُ بِهِ» یا به تعبیری طواف دادن به شمار آورده اند، به طریق

۵۸ - بحر العلوم، مصابیح الاحکام، ۱/۶۰؛ نجفی، انوار الفقاهة - کتاب المکاسب، ۶۵.

۵۹ - خویی، موسوعة الامام الخوئی، ۹۷/۲۹؛ لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحج، ۳/۴ تا ۳۰۲؛ سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۲۶/۴.

۶۰ - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحج، ۳۶۲/۴؛ سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۹۲/۴.

۶۱ - سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۲۶/۴.

۶۲ - لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحج، ۳۶۲/۴؛ سبحانی، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، ۹۲/۴.

۶۳ - در مبحث عدم اجزاء طواف اختیاری راکب، از تقسیم بندی طواف و تعریف هر قسم به تفصیل سخن خواهد رفت.

۶۴ - طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۲۳/۵.

اولی نمی توان فرضی که فرد، طواف را نه با قدم هایش بلکه به واسطه سوار شدن بر حیوان یا چیزی دیگری ادا می نماید، مصداقی از طواف بنفسه محسوب نمود.

۳-۱- دیدگاه عدم اجزاء طواف اختیاری راکب

برخی از فقها، در حالت اختیار قائل به موضوعیت مشی در طواف گردیده و آن را شرط صحت طواف به شمار آورده اند؛ لذا اجزاء طواف راکب را مختص حالت اضطرار دانسته و در حالت عادی آن را مسقط تکلیف نمی دانند. از جمله این افراد، ابو صلاح حلبی^{۶۵}، ابن زهره^{۶۶}، کیدری^{۶۷}، آیت الله ایروانی^{۶۸}، شیخ محمد اسحاق فیاض^{۶۹} و آیت الله حائری^{۷۰} از فقهای امامیه می باشند. همچنین برخی از فقهای اهل تسنن قائل به این قول گردیده اند^{۷۱}. شرطیت مشی در طواف از دید این گروه از فقها تا بدان جاست که بر فرض آنکه به واسطه ازدحام جمعیت، پاهای طائف از زمین جدا گردد و جمعیت او را حمل نماید، مشی را محقق ندانسته و مسافتی که بدین نحو طی شده را مجزی نمی شمرند^{۷۲}.

۳-۱-۱- ادله دیدگاه عدم اجزاء طواف اختیاری راکب

فقهای قائل به عدم اجزاء طواف اختیاری راکب در راستای اثبات ادعای خویش به ادله ای چون قرآن کریم، اخبار، اجماع و اصل احتیاط، استناد نموده اند که در ذیل به بررسی هر یک از این ادله می پردازیم.

۳-۱-۱-۱- قرآن کریم

برخی از فقها به استناد آیه شریفه ۲۹ سوره حج «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»، بر این عقیده اند که عنوان طواف مأموره در فرضی صادق است که مکلف با گام های خود و از روی اختیار حول کعبه بچرخد^{۷۳}؛ چراکه طواف در واقع همان مشی است^{۷۴} و راکب، طائف واقعی به شمار نمی رود تا طواف او را مجزی و مسقط تکلیف محسوب نماییم^{۷۵}. صحت استدلال این گروه از فقها از آن جهت است که خطاب آیه شریفه متوجه خود مکلف است و در سقوط تکلیف، اصل آن است که مکلف بنفسه و مباشرتاً طواف را اتیان نماید^{۷۶}. در حالی که مطابق آنچه بیان گردید، در طواف سواره، راکب، مباشر محسوب نمی گردد؛ در نتیجه نمی توان طواف او را مجزی و مسقط تکلیف محسوب نمود.

۳-۱-۱-۲- اخبار

۶۵ - حلبی، الکافی فی الفقه، ۱۹۵.
۶۶ - حلبی، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۱۷۶.
۶۷ - کیدری، اصباح الشیعة بمصباح الشریعة، ۱۵۵.
۶۸ - ایروانی، دروس التمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، ۴۵۳/۱.
۶۹ - فیاض، تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج، ۳۳۵.
۷۰ - حائری، مناسک الحج، ۷۶.
۷۱ - ابن مفلح، المبدع شرح المقنع، ۱۹۹/۳؛ بهوتی، شرح منتهی الارادات، ۵۷۳/۱؛ سرخسی، المبسوط، ۴۵/۴؛ کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ۱۳۰/۲.
۷۲ - حائری، مناسک الحج، ۷۶؛ فیاض، تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج، ۳۳۵.
۷۳ - ایروانی، دروس التمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، ۴۵۳/۱.
۷۴ - ابن فراء، المسائل الفقهیه من کتاب الروایتین و الوجیهین، ۲۸۳/۱.
۷۵ - کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ۱۳۰/۲.
۷۶ - بحر العلوم، مصابیح الاحکام، ۱۶۰/۲؛ نجفی، انوار الفقاهة - کتاب المکاسب، ۶۵.

برخی از فقهای اهل تسنن در اثبات عدم اجزاء طواف اختیاری راکب بر روایتی از پیامبر گرامی اسلام استناد نموده اند که در آن چنین آمده: «الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَلَّ فِيهِ الْمُنْطِقَ، فَمَنْ نَطَقَ فَلَا يَنْطِقُ إِلَّا بِخَيْرٍ»^{۷۷}.

با این استدلال که پیامبر گرامی اسلام، طواف را به نماز، تشبیه نموده است؛ لذا آنچه در نماز شرط است، در طواف نیز شرط می باشد، مگر آنچه به واسطه دلیل استثناء گردد. حال با توجه به آنکه نماز واجب در حالت اختیار به صورت راکب، صحیح نمی باشد، طواف نیز در این فرض همین حکم را خواهد داشت^{۷۸}. برخی در رد این استدلال چنین بیان داشته اند که میان نماز و طواف، تفاوت است، نماز راکب صحیح نیست، اما طواف راکب صحیح می باشد^{۷۹}. اگرچه چنین استدلالی به واسطه تمسک به خود متنازع فیه با اشکال روبروست^{۸۰}.

با این وجود، استدلال به روایت مزبور نیز از چند جهت با اشکال مواجه است؛ اولاً در جوامع اهل تسنن، روایت مزبور به شکل دیگری نیز نقل گردیده است که هیچ دلالتی بر مدعای ایشان ندارد. به عنوان مثال در سنن ترمذی چنین آمده: عَنْ أَبِي عَبَّاسٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الطَّوْفُ حَوْلَ الْبَيْتِ مِثْلُ الصَّلَاةِ، إِلَّا أَنَّكُمْ تَتَكَلَّمُونَ فِيهِ، فَمَنْ تَكَلَّمَ فِيهِ فَلَا يَتَكَلَّمَنَّ إِلَّا بِخَيْرٍ»^{۸۱}. ثانیاً در منابع معتبر روایی شیعی، ذکری از این روایت نیامده است؛ لذا روایت به لحاظ سندی ضعیف می باشد.

در روایتی دیگر که فقهای اهل تسنن به منظور اثبات عدم اجزاء طواف اختیاری راکب بر آن استناد نموده اند، چنین آمده: عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهَا قَالَتْ: شَكوتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَشْتَكِي، فَقَالَ: "طُوفِي مِنَ وِجَاءِ النَّاسِ وَأَنْتِ رَاكِبَةٌ"^{۸۲}.

با این بیان که مطابق روایت مزبور، نبی گرامی اسلام از باب ترخیص و تسهیل به واسطه وجود عذر، اذن به طواف راکب داده است و این امر نشانگر آن است که در اصل، در حالت اختیار و بدون عذر، طواف باید به نحو پیاده ادا گردد^{۸۳}.

روایت فوق با توجه به آنکه در منابع روایی شیعی نیامده است، ضعیف به شمار رفته و در مقام بحث نمی توان بدان استناد نمود.

اما آنچه که از کتب روایی شیعه در ارتباط با این بحث آمده روایت صحیحی از صفوان بن یحیی است در این روایت چنین آمده: قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ الْمَرِيضِ يَفْتَدِمُ مَكَّةَ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَ لَا يَأْتِيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ يُطَافُ بِهِ مَحْمُولًا يَخْطُ الْأَرْضَ بِرِجْلَيْهِ حَتَّى تَمَسَّ الْأَرْضُ قَدَمَيْهِ فِي الطَّوْفِ ثُمَّ يَوْفُفُ بِهِ فِي أَصْلِ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ إِذَا كَانَ مُعْتَمِلًا^{۸۴}.

چنانچه در بحث سابق بیان گردید، در روایت فوق، امام (ع) در رابطه با شخص مریضی که از ادای طواف به نحو مستقل، عاجز می باشد، فرمودند در حالی که دیگری به او کمک می کند، طواف را با قدم های خودش به جا می آورد. در نتیجه زمانی که در ارتباط با بیمار و به دیگر تعبیر در حالت اضطرار چنین آمده، نمی توان گفت در حالت اختیار و بدون عذر، فرد مجاز است طواف را به نحو راکب به جا آورد.

۳-۱-۳-۱- اجماع

^{۷۷} - بیهقی، السنن الصغیر، ۱۸۷/۲.

^{۷۸} - مقدسی، المغنی، ۳۵۸/۳؛ بهوتی، شرح منتهی الارادات، ۵۷۳/۱؛ نووی، المجموع شرح المذهب، ۲۷/۸.

^{۷۹} - حلی، تذکره الفقهاء- الحدیث، ۱۱۱/۸.

^{۸۰} - مازندرانی، شرح فروع الکافی، ۲۵۸/۵.

^{۸۱} - ترمذی، سنن الترمذی، ۲۸۴/۳.

^{۸۲} - ازدی، سنن ابی داود، ۲۶۷/۳.

^{۸۳} - ماوردی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی، ۱۵۲/۴.

^{۸۴} - طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۲۳/۵.

ادعای اجماع بر موضوعیت مشی در طواف و عدم اجزاء طواف اختیاری راکب از سوی ابن زهره، فقیه متقدم شیعی مطرح گردیده است.^{۸۵} اما تحقق چنین اجماعی با توجه به وجود قول مخالف با اشکال روبروست.

۴-۱-۳-۱- اصل احتیاط

برخی از فقهای قائل به عدم اجزاء طواف اختیاری راکب در مقام استدلال بر مبنای اصل احتیاط قائل به شرطیت مشی در طواف گردیده اند.^{۸۶} به نظر چنانچه در بحث حاضر، قائل به حجیت ادله لفظی در اثبات موضوع نباشیم، اصل احتیاط را می توان دلیلی بر شرطیت مشی دانست. چراکه از دید اصولیون، رابطه اصول عملیه و لفظیه رابطه ای طولی می باشد و تا زمانی که اصل لفظیه در یک مسئله وجود داشته باشد، نوبت به تمسک به اصل عملیه نخواهد رسید. این امر در بین اصولیون امری اجماعی است.^{۸۷} چراکه اصول لفظیه دلیل و بیان محسوب می شوند و با وجود آنها، در حقیقت موضوع اصول عملیه که عدم بیان است از بین خواهد رفت. در نتیجه چنانچه در بحث حاضر، قائل به حجیت آیه و روایات نباشیم بر مبنای اصل احتیاط می توان گفت، وجوب طواف امری معلوم است و تردید در این است که آیا ادای آن به نحو راکب بدون عذر، مسقط تکلیف به شمار می رود یا خیر. به دیگر تعبیر، در این فرض، تکلیف معلوم و مکلف به مردد می باشد؛ لذا اصل احتیاط اقتضای فراغ یقینی در قبال تکلیف یقینی را دارد.^{۸۸} از این حیث، طواف باید به نحوی ادا شود که نسبت به سقوط تکلیف، یقین حاصل آید و از سویی، فراغ یقینی در فرضی حاصل می شود که طواف به نحو پیاده اتیان گردد.

۴-۱- دیدگاه برگزیده

با توجه به آنچه در نقد مستندات قول اجزاء طواف اختیاری راکب گفته شده، به نظر نمی توان اجزاء چنین طوافی را نه به نحو مطلق و نه به نحو مشروط پذیرفت. علی الخصوص آنکه در آیه ۲۹ سوره حج به عنوان یکی از دلایل وجوب طواف، خطاب متوجه خود مکلف گردیده؛ در نتیجه بر ادای طواف بنفسه دلالت دارد. حال آنکه طواف راکب بنفسه محسوب نمی گردد؛ لذا در حالت اختیار و بدون عذر نمی توان قائل به اجزاء آن گردید. همچنین علاوه بر دلالت آیه شریفه بر عدم اجزاء این طواف، چنانچه ملاحظه گردید صحیحه صفوان بن یحیی نیز دلیلی متقن بر اثبات این قول می باشد. با این وجود به نظر می توان این امر را به طریقی دیگر نیز ثابت نمود، در این بخش برآنیم تا از منظر مراتب چندگانه طواف، مدعای خویش را به اثبات رسانیم.

با دقت نظر در روایات باب طواف و اقوال فقها می توان گفت به نحو کلی برای طواف سه مرحله مفروض است: الطواف بنفسه، الطواف به و الطواف عنه.^{۸۹}

۱- الطواف بنفسه یا طواف بالمباشرة یعنی حالتی که فرد مستقلاً و بی واسطه با گام های خویش، طواف را به جا می آورد. این تعریف از فحوای کلام فقهایی چون آیت الله شیخ محمد اسحاق فیاض^{۹۰} و آیت الله حائری^{۹۱} قابل برداشت می باشد. اگرچه می توان صحیحه صفوان بن یحیی را هم شاهدی بر این مدعا گرفت؛ از آن جهت که در این روایت بر فرض عجز از طواف بنفسه «فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ» وظيفه فرد عاجز را طواف با کمک دیگری البته در حالی که با قدم های خودش آن را به جا آورد دانسته است و چنین طوافی را مصداقی از الطواف به «يُطَافُ بِهِ» محسوب نموده است. لذا از این روایت می توان نتیجه

^{۸۵} - حلبی، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۱۷۶.

^{۸۶} - حلبی، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۱۷۶؛ قطیفی، رسائل آل طوق القطیفی، ۳۴۷/۲.

^{۸۷} - تبریزی، اوثق الوسائل فی شرح الرسائل، ۵۸۲/۱؛ خوئی، الهدایة فی الاصول، ۳۴۵/۲.

^{۸۸} - خراسانی، کفایة الاصول، ۳۵۸/۱؛ کرباسی، منهاج الاصول، ۲۰۹/۴.

^{۸۹} - خوئی، مناسک الحج، ۱۴۳؛ فیاض، تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج، ۳۵۷.

^{۹۰} - فیاض، تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج، ۳۵۷.

^{۹۱} - حائری، مناسک الحج، ۸۴.

گرفت مراد از طواف بنفسه، مرتبه ای بالاتر و کامل تر از طواف مذکور می باشد که امام (ع) به واسطه عجز فرد نسبت به آن، طواف بدین نحو را تجویز نموده است. با این تفسیر می توان گفت، مرتبه بالاتر از این طواف، طوافی است که نه تنها فرد با گام های خودش آن را ادا می کند بلکه بدون استعانت از غیر و مستقلاً صورت می پذیرد.

۲- الطواف به که می توان از آن تحت عنوان طواف بالاستعانه یا طواف مع الواسطه یا بالتسبیب یاد نمود و مراد از آن حالتی که فرد با کمک دیگری خواه انسان، خواه حیوان یا غیر آن طواف را به جا می آورد^{۹۲}. در آیات، مواردی چون طواف فرد بیمار با محمل^{۹۳}، طواف صبیان^{۹۴}، طواف فرد بیمار با گام های خویش و با کمک غیر^{۹۵} مصادیقی از این طواف دانسته شده است. لذا به نظر، معیار چنین طوافی، استعانت غیر در ایقاع طواف می باشد، خواه خود شخص نیز در ایقاع طواف، دخیل باشد؛ مانند فرضی که با کمک دیگری و با پای خودش طواف می کند، یا فرضی که سوار بر مرکبی که هدایتش به دست خود اوست، طواف را به جا می آورد. خواه خود شخص در ایقاع آن دخیل نباشد، مانند جایی که در محمل یا بر دوش دیگری طواف را به جا می آورد.

۳- الطواف عنه یا طواف بالاستنابه یعنی حالتی که شخص دیگری به نیابت از فرد، طواف را به جا آورد^{۹۶}. حال، به عقیده فقها میان مراحل مذکور، رابطه طولی برقرار است؛ به نحوی که اجزاء مرتبه اخیر، منوط به عجز طائف نسبت به مرتبه سابق می باشد. از سوی دیگر این رابطه در روایات نیز مورد تایید قرار گرفته است؛ چراکه تجویز طواف بالاستعانه مربوط به فرضی دانسته شده که شخص به واسطه عذری چون بیماری^{۹۷} یا صغر^{۹۸} از ادای طواف بنفسه، عاجز باشد. به همان نحو، طواف بالاستعانه مطابق اخبار، مقدم بر طواف بالاستنابه شمرده شده است. به عنوان نمونه در روایت اسحاق بن عمار در این باره چنین آمده: عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبرَاهِيمَ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ الْمَغْلُوبِ يُطَافُ عَنْهُ بِالْكَعْبَةِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ يُطَافُ بِهِ^{۹۹}.

به بیان دیگر، ملاک، میزان قدرت و توان شخص بر ادای طواف بنفسه می باشد؛ لذا در جایی که فرد مستقلاً و بدون کمک دیگری می تواند با قدم هایش طواف را به جا آورد، نمی توان قائل به اجزاء طواف بالاستعانه گردید و به همین نحو در جایی که با کمک غیر امکان ایقاع طواف را دارد، نایب گرفتن بر او جایز نمی باشد.

موید دیگر این قول، قاعده میسور می باشد؛ با این بیان که چنانچه انجام تکلیف به صورت کامل و با تمام اجزا و شرایط یا تمامی مصادیق آن، بر مکلف، دشوار یا ناممکن شود، به جا آوردن بخشی از تکلیف که برای مکلف، ممکن و مقدور می باشد، از عهده او ساقط نمی گردد^{۱۰۰}.

در نتیجه، در محل بحث نیز نظر به آنکه طواف راکب، نوعی طواف بالاستعانه محسوب می شود صرفاً در فرضی می توان آن را مجزی دانست که فرد از ادای طواف بنفسه، عاجز باشد. به دیگر تعبیر، در حالت اختیار و بدون عذر، طواف راکب مطلقاً مجزی به شمار نمی رود.

۹۲ - طباطبایی قمی، مصباح الناسک فی شرح المناسک، ۱۵۰/۲.

۹۳ - کلینی، الکافی، ۴۲۲/۴.

۹۴ - صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴۳۳/۲.

۹۵ - طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۲۳/۵.

۹۶ - خویی، موسوعه الامام الخویی، ۹۹/۲۹؛ لنگرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله- الحج، ۳۰۳/۴؛ تبریزی، التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، ۷۴/۳.

۹۷ - کلینی، الکافی، ۴۲۲/۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۲۳/۵.

۹۸ - صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴۳۳/۲.

۹۹ - کلینی، الکافی، ۴۲۲/۴.

۱۰۰ - بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱۲۷/۴؛ آملی، القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد (مجمع الافکار و مطرح الانظار)، ۶۲۳/۳؛ روحانی، القواعد الفقهیه (منتفی الاصول)، ۳۰۲/۵.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با موضوع «تحلیلی بر اجزاء طواف اختیاری راکب» به نتایج ذیل دست یافت:

در مسئله اجزاء طواف اختیاری راکب، عمده مستندات آیه ۲۹ سوره حج و اخبار باب طواف می باشند. حال، نظر به آنکه خطاب آیه شریفه متوجه خود مکلف است، مقتضای این امر، ایقاع طواف بنفسه و بالمباشره می باشد. این در حالی است که طواف راکب، بالاستعانه محسوب می گردد و در حالت اختیار نمی توان قائل به اجزاء آن گردید. چنانچه روایات این باب نیز طواف راکب را به عنوان مصداقی از طواف بالاستعانه در فرض اضطرار و عذر، مجزی به شمار آورده است. در نتیجه به نظر، ادای طواف به نحو راکب در حالت اختیار که در حج اخیر شاهد آن بودیم (طواف با اسکوتر)، فاقد وجهه شرعی بوده و لازم است نسبت به ممانعت از شیوع آن در مناسک حج، تدابیر جدی اتخاذ گردد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

آملی، میرزا هاشم. *القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد (مجمع الافکار و مطرح الانظار)*. قم: المطبعة العلمیه. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

ابن فراء، قاضی ابو یعلی. *المسائل الفقهیه من کتاب الروایتین و الوجهین*. ریاض: مکتبه المعارف. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.

ابن مفلح، ابراهیم بن محمد. *المبدع شرح المقنع*. ریاض: دار عالم الکتب. ۱۴۲۳ق.

ازدی، ابو داود سلیمان بن اشعث. *سنن ابی داود*. بی جا: دار الرساله العالمیه. چاپ اول، ۱۴۳۰ق.

ایروانی، باقر. *دروس التمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری*. قم: بی نا. چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.

بجنوردی، سید حسن. *القواعد الفقهیه*. قم: نشر الهادی. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

بحر العلوم، سید محمد مهدی. *مصابیح الاحکام*. قم: نشر زیتون. ۱۴۲۹ق.

بهوتی، منصور بن یونس. *شرح منتهی الارادات*. بی جا: عالم الکتب. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

بیهقی، ابوبکر. *السنن الصغیر*. کراتشی: جامعه الدراسات الاسلامیه. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

تبریزی، جواد بن علی. *التهدیب فی مناسک العمرة و الحج*. بی جا: بی نا. بی تا.

تبریزی، موسی بن جعفر. *اوثق الوسائل فی شرح الرسائل*. قم: کتبی نجفی. چاپ اول، ۱۳۶۹ق.

ترمذی، محمد بن عیسی. *سنن الترمذی*. مصر: شرکه مکتبه و مطبعة مصطفى البابی الحلبي. چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.

حائری، سید کاظم. *مناسک الحج*. قم: دار البشیر. چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.

حر عاملی، محمد بن حسن. *وسائل الشیعه*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

حسینی شاهرودی، سید محمود. *کتاب الحج*. قم: موسسه انصاریان. چاپ دوم، بی تا.

حکیم، سید محسن. *مستمسک العروة الوثقی*. قم: موسسه دار التفسیر. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

حلبی، ابو صلاح. *الکافی فی الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المومنین (ع). چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

- حلبی، حمزة بن علی. *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع*. چاپ اول، قم: موسسه امام صادق (ع). ۱۴۱۷ق.
- حلی، حسن بن یوسف. *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة- الحدیث*. قم: موسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- حلی، حسن بن یوسف. *تذکره الفقهاء- الحدیث*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول، بی تا.
- حلی، حسن بن یوسف. *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- حلی، حسن بن یوسف. *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة. چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- حلی، محمد بن حسن بن یوسف. *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. قم: موسسه اسماعیلیان. چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
- خراسانی (آخوند)، محمد کاظم. *کفایة الاصول*. قم: موسسه النشر الاسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- خویی، سید ابو القاسم. *الهدایة فی الاصول*. قم: موسسه صاحب الامر (عج). چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- خویی، سید ابو القاسم. *المستند فی شرح العروة الوثقی، الصوم ۲*. بی جا: بی تا.
- خویی، سید ابو القاسم. *مناسک الحج*. قم: چاپخانه مهر. چاپ یازدهم، ۱۴۱۱ق.
- خویی، سید ابو القاسم. *موسوعة الامام الخویی*. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- دیلمی، حمزة بن عبد العزیز. *المراسم العلویة و الاحکام النبویة*. قم: منشورات الحرمین. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- روحانی، سید محمد. *القواعد الفقهیة (منتفی الاصول)*. قم: چاپخانه امیر. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- روزنامه شرق.
- سبحانی، جعفر. *الحج فی الشریعة الاسلامیة الفراء*. قم: موسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- سبزواری، محمد باقر بن محمد مومن. *ذخیره المعاد فی شرح الارشاد*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
- سرخسی، محمد بن احمد. *المبسوط*. بیروت: دار المعرفة. ۱۴۱۴ق.
- شافعی، محمد بن ادريس. *الام*. بیروت: دار المعرفة. ۱۴۱۰ق.
- شیرازی زنجانی، سید موسی. *مناسک الحج*. قم: موسسه الولاء للدراسات. چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین. *اصول فلسفه و روش رئالیسم (با مقدمه و پاورقی استاد مرتضی مطهری)*. بی جا: انتشارات صدرا. ۱۳۹۰ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین. *المیزان فی التفسیر القرآن*. بی جا: نشر اسماعیلیان. بی تا.
- طباطبایی قمی، سید تقی. *مصباح الناسک فی شرح المناسک*. قم: انتشارات محلاتی. چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، *العروة الوثقى مع التعليقات الفاضل*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام. چاپ اول، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن. *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- طوسی، محمد بن حسن. *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن. *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عاملی، سید جواد بن محمد. *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- عاملی، محمد بن مکی. *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- عاملی، محمد حسین. *ارشاد العقول الی مباحث الاصول*. قم: موسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- فیاض، محمد اسحاق. *تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج*. قم: انتشارات محلاتی. چاپ اول، بی تا.
- قشیری، مسلم بن الحجاج. *المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل الی رسول الله (ص)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- قطیفی، احمد بن مصلح. *رسائل آل طوق القطیفی*. بیروت: دار المصطفی لإحیاء التراث. چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود. *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بی جا: دار الکتب العلمیه. چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- کرباسی، محمد ابراهیم. *منهاج الاصول*. بیروت: دار البلاغه. چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کیدری، محمد بن حسین. *اصباح الشیعه بمصباح الشریعه*. قم: موسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- گلپایگانی، علی. *آراء المراجع فی الحج (بالعربیة)*. قم: نشر مشعر. چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
- لنکرانی، محمد فاضل. *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الاجاره*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام. چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- لنکرانی، محمد فاضل. *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - احکام التخلی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- لنکرانی، محمد فاضل. *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحج*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات. چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- لنکرانی، محمد فاضل. *مناسک الحج*، بی جا: بی تا.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح. *شرح فروع الکافی*. قم: دار الحدیث للطباعة و النشر. چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- ماوردی، علی بن محمد. *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی*. بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- مجلسی، محمد باقر. *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الطبع و النشر. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

- مجلسی، محمد باقر. *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*. تهران: دار الکتب الاسلامیة. چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمد تقی. *لواعص صاحبقرانی*. قم: موسسه اسماعیلیان. چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- محقق داماد، سید محمد. *کتاب الحج*. قم: چاپخانه مهر. چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
- مدرسی، حیدر علی. *هدایة الاصول فی شرح کفایة الاصول*. بی جا: مطبعة سید الشهداء (ع). بی تا.
- مدنی، حاج آقا رضا. *براهین الحج للفقهاء و الحجج*. کاشان: مدرسه علمیه آیه الله مدنی کاشانی. چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
- مقدسی، عبد الله بن احمد. *المغنی*. بی جا: مکتبة القاهرة. ۱۳۸۸ق.
- منذری، زکی الدین. *مختصر صحیح مسلم*. بیروت: المکتب الاسلامی. چاپ ششم، ۱۴۰۷ق.
- موسوی خمینی، سید روح الله. *تحریر الوسیلة*. قم: موسسه مطبوعات دار العلم. چاپ اول، بی تا.
- نجفی، حسن بن جعفر. *انوار الفقاهة - کتاب المکاسب*. نجف: موسسه کاشف الغطاء. چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- نجفی، محمد حسن. *جواهر الکلام فی شرح الشرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم، بی تا.
- نوری، میرزا حسین. *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- نووی، یحیی بن شرف. *الایضاح فی مناسک الحج و العمرة*. بیروت: دار البشائر الاسلامیة. چاپ دوم: ۱۴۱۴ق.
- نووی، یحیی بن شرف. *المجموع شرح المهذب*. بی جا: دار الفکر. بی تا.
- وجدانی، قدرت الله. *الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة*. قم: انتشارات سما قلم. چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
- یزدی، محمد. *فقه القرآن*. قم: موسسه اسماعیلیان. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

<http://ataeim.blogfa.com/post/707>